

تحلیل و بررسی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه

* مجتبی درودی
** رضا ابروش
*** عزت الله معتمد

چکیده

حوزه‌های علمیه در ایجاد و حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی از نقش قابل اعتنایی برخوردار هستند. به این جهت دشمنان انقلاب اسلامی برای پیشبرد اهداف خود درصددند حوزه‌های علمیه را به عامل زوال و فتنای انقلاب مبدل نمایند. از این‌رو با ایجاد و بهره‌مندی از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه زمینه انحطاط و افول انقلاب از درون حوزه‌های علمیه را دنبال می‌نمایند. در این پژوهش با مصاحبه از صاحب‌نظران حوزوی و روش تحلیل مضامین، پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه سنجیده شده‌اند. پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه که در این پژوهش شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند عبارتند از: تضعیف منزلت اجتماعی، استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی، ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی، تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه، ابهام افزایی، فقدان هوش راهبردی و گسترش و ترویج واپس‌گرایی در حوزه‌های علمیه.

کلمات کلیدی

پیشران، آنتی‌تز انقلاب، حوزه‌های علمیه، عوامل درون‌زا، مسئولیت اجتماعی.

doroudi@iki.ac.ir

abravesh@maaref.ac.ir

motamed867@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۷

*. استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.

** استادیار گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه معارف اسلامی.

*** دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۷

انقلاب اسلامی پدیده‌ای شاخص در تراز جهانی برای مقابله با استبداد و زیاده‌خواهی با نظام‌های سلطه محسوب می‌شود. به‌همین دلیل نظام‌های سلطه که انقلاب اسلامی و اهداف متعالی آن را در تضاد با منافع استبدادی و استعماری خویش دریافتند، به مقابله همه‌جانبه با آن برخاستند. انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی ره و همراهی آحاد مردم به ثمر نشست، در اولین لحظه‌های شکل‌گیری خود با مخالفت‌ها و تهدیدات متعددی مواجه گشت. نظام سلطه و استبدادی غرب به سرکردگی آمریکا از همان آغازین روزهای پیروزی انقلاب اقدامات و برنامه‌های متعددی را برای برچیدن انقلاب اسلامی در دستور کار خود قرار داد. مهم‌ترین تهدیداتی که برای انقلاب اسلامی ایران به وجود آوردند با تهدیدات نظامی آغاز شد و پس از ناکامی در برنامه‌ها و سیاست‌های نظامی و جنگ سخت، به‌طور هوشمندانه جبهه خود را تغییر داده و جبهه جدیدی که ماهیتی نرم دارد را موردتوجه قرار دادند.

اکنون که چهل سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، دشمن انواع سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی را برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران به کار بسته است. آنچه امروزه به وضوح قابل درک است اینکه دشمن با تغییر استراتژی‌های خصمانه خود به‌طور هوشمندانه در تلاش است اهداف شوم و پلید خود را از طریق نقطه آغازین و شکل‌گیری انقلاب اسلامی دنبال نماید.

طرح مسئله

حوزه‌های علمیه عامل مهمی برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. به‌طوری‌که اگر فعالیت‌های علما و حوزه‌های علمیه به رهبری امام خمینی ره نبود، انقلاب شکوهمند اسلامی به ثمر نمی‌نشست. از این‌رو دشمن در تلاش است تا زمینه انحطاط انقلاب را از طریق حوزه‌های علمیه دنبال نماید. در همین راستا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرمودند: «از سال‌های آخر دهه اول انقلاب به بعد، دشمنان انقلاب و جبهه دشمن با استفاده از کارشناس‌های ایرانی یک سیاستی را طراحی کردند - چون غیر کارشناس‌های ایرانی به این نکته توجه پیدا نمی‌کردند؛ کسانی که طرف مشورت‌شان قرار می‌گرفتند، ایرانی بودند - و آن سیاست این بود که از قم آنتی‌تز انقلاب درست کنند. همان‌طور که انقلاب از قم جوشید، یک ضدانقلاب هم از قم به‌وجود بیاورند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۸/۴)

پیرو فرمایشات ایشان، امروز حوزه‌های علمیه به‌شدت مورد توجه نظام سلطه و دشمنان انقلاب هستند. به‌طوری‌که در تلاش هستند تا برای مقابله و مبارزه با انقلاب اسلامی و اهداف متعالی آن،

نیروی را درون حوزه‌های علمیه ایجاد نمایند که منطبق با اهداف و آرمان‌های ضدانقلاب باشد. درواقع دشمن در تلاش است تا با شناسایی عوامل کلیدی و مهم درون حوزوی زمینه بهره‌مندی از آنها برای مقاصد خویش را فراهم سازد. این عوامل کلیدی که به آنها پیشران اطلاق می‌شود سهم بسزایی برای تحقق آینده‌های موردنظر دارند. به‌همین دلیل سعی دارد با بهره‌مندی از پیشران‌های درون حوزوی که به‌نوعی نقش آنتی‌تز را ایفا می‌کنند، مقاصد شوم آینده خود را دنبال نماید.

با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، مسئله‌ای که شایان توجه است، شناسایی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه است. پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه می‌توانند تهدیدات فزاینده و نقاط ضعف پرمخاطره‌ای را برای انقلاب و نظام اسلامی به‌وجود آورند. به‌همین دلیل آنچه در این پژوهش به‌عنوان مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد، شناسایی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه می‌باشد. اگرچه ممکن است این موضوع برحسب ظاهر، رویکردی منفی‌گرایانه را تداعی کند، ولی با نگاه هوشمندانه به موضوع به وضوح درمی‌یابیم که انجام یک چنین پژوهشی می‌تواند درک مناسبی را در اختیار سازمان‌ها و نهادهای حوزوی قرار دهد تا به‌منظور مقابله با آن اقدامات مقتضی را دنبال نمایند.

بنابراین سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود، این است که پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه چیست؟ این پژوهش با هدف شناسایی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه علمیه سعی دارد تا زمینه بهره‌مندی دشمن از این عوامل کلیدی را شناسایی نماید و از این طریق کمک قابل توجهی به نهادها و مراکز ذی‌ربط برای خنثی نمودن دسیسه‌های دشمن در درون حوزه‌های علمیه ارائه نماید.

مفهوم‌شناسی

قبل از هرگونه مطالعه و بررسی پیرامون موضوع شایسته است مفاهیم پژوهش با دقت و تأمل ویژه مورد تعریف واقع شوند:

۱. پیشران

پیشران^۱ مفهومی است که در آینده‌پژوهی و سناریونویسی کاربرد گسترده‌ای دارد. به‌طوری‌که بدون شناسایی نیروهای پیشران هیچ راهی برای تدوین سناریوها وجود ندارد. (شوارتز، ۱۳۹۰: ۱۰۵) فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پیشران را به عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و

1. Propellant.

تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند تعریف و تصویب نموده است. (رحمانی و ابروش، ۱۳۹۳: ۴۸) با شناسایی پیشران‌ها می‌توان برنامه‌ها و اقدامات عملیاتی برای تحقق بخشیدن به آینده مطلوب و یا بازدارندگی نسبت به آینده‌های نامطلوب را دنبال نمود.

در این پژوهش منظور از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه، آن دسته از عوامل مهم و کلیدی در حوزه‌های علمیه هستند که مورد توجه دشمن قرار گرفته و سعی دارد برای تدوین سناریوهای مقابله با انقلاب اسلامی، با شناسایی و تمرکز بر آنها، سناریوهای سقوط انقلاب اسلامی از درون حوزه‌های علمیه را تدوین و اجرا نماید.

۲. آنتی‌تز

آنتی‌تز یکی از مفاهیم روش‌شناسی دیالکتیکی هگل است. تبیین آن به این شکل است که هر چیزی یک حالت اثباتی دارد، یا به تعبیر هگل حالت تصدیق دارد و به وجود خود اعتراف می‌کند، و یک مرحله انکاری دارد که همان مرحله بیگانه شدن با خود است که خود را انکار می‌کند، و یک مرحله سومی دارد که می‌شود گفت در سطحی بالاتر مرحله بازگشت به خود است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۳ / ۹۰۷) در واقع در مرحله انکار، پدیده موردنظر در درون خودش تجزیه می‌شود یعنی انکار خودش از درون خودش ایجاد می‌شود و رشد می‌کند، به طوری که ضد خودش می‌شود و از این طریق فراگیر می‌شود. بنابراین آنچه از آنتی‌تز در این پژوهش مدنظر است، ایجاد نیروی خودانکاری و بیگانگی با خود از طریق عوامل درونی یک سیستم است.

۳. حوزه علمیه

حوزه علمیه، مجموعه‌ای اصیل و ریشه‌دار در فرهنگ ولایی است که براساس تدابیر الهی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در تکریم علم و ارجاع مردم به علما، خصوصاً در عصر غیبت^۱، این مجموعه عظیم شکل گرفته و به حرکت تحولی خود ادامه می‌دهد. (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۳) بنابراین حوزه علمیه به عنوان یک نهاد دینی با ساختار مشخص و هدفمند سعی دارد در مسیر شناخت، تبلیغ، ترویج و تبیین عقائد، باورها و ارزش‌های اسلامی حرکت نماید.

نقش روحانیت، مرجعیت و حوزه‌های علمیه در انقلاب اسلامی

پیدایش نظام اسلامی، حوزه را در مقطع تاریخی نوینی قرار داد. به طوری که حوزه و نظام اسلامی از

۱. برای مثال، می‌توان به توقیع مشهور از حضرت حجت اشاره کرد: «ما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷ / ۱۴۰)

پیوندهای وثیقی برخوردارند. (مشکانی سبزواری و رهدار، ۱۳۹۶: ۱۴۲) مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در سخنان خود حوزه‌های علمیه را پایه و اساس نظام اسلامی برمی‌شمارند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «حوزه‌های علمیه همان‌طور که امام علیه‌السلام مکرر می‌فرمودند قاعده نظام جمهوری اسلامی است و همه‌چیز روی این قاعده بناشده و دوام خواهد یافت». (۱۳۶۸/۳/۲۲) ایشان در سخنان دیگری اهمیت و نقش حوزه‌های علمیه در انقلاب و نظام اسلامی را مطرح نموده و می‌فرمایند: «حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی، هیچ عالم دینی و هیچ خادم اسلامی نمی‌تواند نسبت به نظامی که براساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه اسلام حرکت کرده است و کار می‌کند، بی‌تفاوت باشد، نمی‌تواند خود را بیگانه به حساب آورد». (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

همان‌طور که ایشان بیان می‌دارند، حوزه‌های علمیه نقش مهمی در انقلاب و نظام اسلامی دارند. میشل فوکو نیز به نقش روحانیت مبارز به‌عنوان عنصر اساسی در شکل‌گیری انقلاب اشاره می‌کند. (خوشروزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۵) او معتقد است یکی از عوامل مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی روحانیت مبارز شیعه است (فوکو، ۱۳۸۶: ۳۱) که در بین آنها مرجعیت از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است. زیرا مرجعیت همواره به‌عنوان رهبران واقعی شیعه محسوب می‌شوند و نیازی به هزینه‌های زیاد نظامی، نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری ندارند. درواقع مرجعیت بدون صرف هزینه‌های مادی ظرفیت این را دارد که فرمان‌روایی واقعی جامعه را به دست گیرد. (رمضان‌نرگسی و ابوطالبی، ۱۳۹۲: ۱۶۲) روحانیت و مرجعیت شیعه که از ظرفیت رهبری و تأثیرگذاری بالایی برخوردار هستند، برآیند رسالت بزرگ حوزه‌های علمیه می‌باشند. به‌همین دلیل در بررسی و تحلیل نقش روحانیت و مرجعیت شیعه نمی‌توان به‌مهد تربیت و پرورش روحانیون و مراجع دینی که حوزه‌های علمیه هستند بی‌توجه بود. به‌همین دلیل می‌توان روحانیت، مرجعیت و حوزه‌های علمیه را سه ضلع حوزوی مهم در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی برشمرد. اگرچه عوامل دیگری مثل حضور و مشارکت مردم نیز در این بین تأثیرگذار است. اما این سه ضلع نقش مهم و راهبردی در همراه‌سازی مردم در پیروزی انقلاب دارند. با توجه به مسئله پژوهش، وقتی سخن از تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه می‌شود باید آن را در تعامل مطلوب و کارآمد با دو ضلع دیگرش یعنی مرجعیت و روحانیت برشمرد؛ در غیر این صورت به‌همان میزان که از تعامل این سه ضلع کاسته می‌شود، میزان تأثیرگذاری آنها نیز افول می‌یابد و چه‌بسا باعث بروز ضعف‌های درونی در ساختار و نهاد حوزه‌های علمیه می‌شود.

همان‌طور که انقلاب اسلامی نتیجه تعامل مطلوب و کارآمد این سه ضلع مهم و حیاتی است، استمرار و تداوم آن نیز در گرو تعامل مطلوب آنها در گذر زمان است. به‌عبارت دیگر بین اضلاع

سه گانه مذکور و انقلاب اسلامی نوعی رابطه وجودی برقرار است، به طوری که اگر یکی از این اضلاع دچار آسیب و اختلال شوند، به همان میزان انقلاب اسلامی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی قرار می‌گیرد. به همین دلیل تحلیل پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه ممکن است، به نوعی با هریک از این سه ضلع مرتبط باشد. در واقع برای تحلیل و بررسی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه باید همه ابعاد و جوانب این اضلاع حیاتی را مورد توجه قرار داد. در این صورت می‌توان نسبت به سناریوهای شوم دشمن آگاه شد و با اقدامات پیشگیرانه مانع بهره‌مندی آنها از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه شد.

روش پژوهش

اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از طریق مصاحبه گردآوری شد. مصاحبه یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین روش‌ها برای گردآوری اطلاعات است، زیرا این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا اطلاعاتی را که فقط از راه مشاهده به دست نمی‌آید و در متون و منابع مختلف پیرامون آن بحث نشده است، احصا نماید. با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بسیار نو و جدید است و تاکنون مطالعه‌ای در این خصوص مشاهده نشده است، پژوهشگر ناگزیر است برای احصا و گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش مصاحبه استفاده نماید. در مصاحبه‌ها سعی شد تا مصاحبه با خبرگان حوزوی با رویکردهای مختلف، با تنوع حوزه‌های مطالعاتی و شخصیت‌های علمی و اجرایی انجام پذیرد، تا بتوان از انواع اطلاعات مختلف در فرایند پژوهش بهره برد. برخی از اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش نیز از مصاحبه‌های منتشر شده پیرامون موضوع مورد نظر تهیه شد. فرایند گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در این مرحله با مشاهده تکرار مباحث توسط مصاحبه‌شوندگان، فرایند گردآوری اطلاعات نیز خاتمه یافت.

روش مورد استفاده در تحلیل مصاحبه‌ها روش تحلیل مضامین است. تحلیل مضامین روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش از داده‌های کیفی است این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که قابلیت ارائه یک گزارش غنی، دقیق و درعین حال پیچیده‌ای از داده‌ها را دارد. (Braun & Clarke, 2006: 81) برای تحلیل مضامین نیز از روش شبکه مضامین استفاده می‌شود. شبکه مضامین نقشه‌ای شبیه تارنما از یافته‌های پژوهش ارائه می‌کند که مضامین در یک فرایند سه مرحله‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند. در این پژوهش با بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها ۳۸۳ مضمون پایه از عبارت‌ها و گزاره‌های کلیدی در متن مصاحبه‌ها احصا شد. آنچه در اینجا باید اشاره شود این

است که پژوهشگر در فرایند تدوین مضامین پایه از مفهوم مخالفت استفاده می‌نماید. در این پژوهش برخی از مصاحبه‌شوندگان به دلایل مختلفی به صورت صریح و سلبی به موضوع نمی‌پرداختند. به همین دلیل پژوهشگر ناگزیر بود تا با استفاده از مفهوم مخالفت، منطوق مثبت آنها را به مضامین سلبی تبدیل نماید. سپس با استفاده از مقایسه مفاهیم با یکدیگر فرایند شناسایی مضامین متداخل و مشابه توسط پژوهشگر اجرا می‌شود. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳۳) در این مرحله مضامین پایه در «مضامین سازمان‌دهنده»^۱ که کلی‌تر و انتزاعی‌تر هستند قرار می‌گیرند. با بررسی و مقایسه انجام شده، ۲۶ مضمون سازمان‌دهنده از مضامین پایه ایجاد شد.

جدول ۱ نمونه‌ای از فرایند تحلیل مضامین برای شناسایی پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه را نشان می‌دهد. در این جدول به‌منظور رعایت اختصار، برخی از مضامین پایه به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود.^۲

مضامین پایه	شناسه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر (پیشران‌ها)
رواج بازی‌های حزبی در حوزه‌های علمیه	۲۱	ورود حوزه به جناح‌گرایی‌های سیاسی	پیشران منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه
ایجاد وابستگی حوزه‌های علمیه به احزاب سیاسی			
کاهش نفوذ روحانیت در قلب مردم	۱۱	تضعیف جایگاه روحانیت در نزد مردم	
کاهش ارتباط حوزه با مردم			
کم‌رنگ نمودن ارزش‌های انقلابی در حوزه‌های علمیه	۲	افول و استحاله اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه	پیشران استحاله ارزش‌ها و مبنای انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه
افول استکبارستیزی در حوزه‌های علمیه			
بی‌تفاوتی حوزویان نسبت به ضعف عملکرد مسئولان	۷	بی‌تفاوتی حوزه به آرمان‌های انقلاب اسلامی	
ایجاد حس خستگی در طلاب برای دفاع از آرمان‌های انقلاب			
برخی در داخل حوزه درصدد کاهش قدرت ولایت فقیه هستند	۳	القای تفکر جدایی نظریه ولایت فقیه از معارف اسلامی به‌ویژه حوزه‌های علمیه	
سیاست‌زدایی دین برای حفظ دین و دینداری			

1. Organizing Themes.

۲. به دلیل محدودیت در حجم مقاله از ذکر همه مضامین پایه که از مصاحبه‌ها مستخرج گردیده است، اجتناب می‌شود.

مضامین پایه	شناسه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر (پیشرانها)
رسانه‌های مجازی شبهات را به درون خانه طلاب هم آورده است	۳۱	ناتوانی حوزویان و روحانیون در فهم نظریه ولایت فقیه	
شبهه‌افکنی در مسائل مربوط به ولایت و امامت امت			
حوزه اگر پاسخگو و در صحنه نباشد به وظیفه‌اش عمل نکرده	۲۳	عدم ورود حوزه به عرصه‌های عمل و اقدام	
تغییر کارکرد نهاد روحانیت			
گسست رابطه بین حوزه و نظام اسلامی	۲۰	جدایی حوزه از نظام و انقلاب اسلامی	
ایجاد فاصله بین مدیران و مسئولان حوزه با مسئولان نظام و انقلاب اسلامی			
ایجاد مانع برای پاسخگویی حوزه در مورد نیازهای جامعه	۸	بی‌خبری از مسائل اجتماعی و ناتوانی در درک نیازهای اجتماعی	
ناکارآمدی حوزه در مصاف با نیازهای جامعه و نظام اسلامی			
بی‌تفاوت سازی حوزه نسبت به انحرافات اجتماعی	۶	بی‌تفاوت نسبت به مسائل اجتماعی	
ترویج روحیه بی‌تفاوتی در حوزه			
تضعیف راهبرد کادر سازی در حوزه‌های علمیه	۳۰	عدم اهتمام به کادر سازی	
کاهش تأثیرات فرهنگی حوزه‌های علمیه بر جامعه			
کاهش نقش تربیتی طلاب و حوزه‌های علمیه در مراکز و نهادهای آموزشی و تربیتی	۲۵	کاهش حضور حوزویان در مراکز و نهادهای مختلف مورد نیاز	
عرفی کردن دین در حوزه‌های علمیه			
جداسازی عرصه دین از سیاست	۱۸	گسترش تقدس مآبی و کم‌رنگ شدن نقش سیاسی - اجتماعی حوزه‌های علمیه	
ایجاد تقابل بین توحید عبادی و توحید سیاسی			
علنی کردن نظرات مخالف توسط اهل حوزه	۲۶	گسترش اختلافات	
دمیدن در آتش افتراق بین حوزویان			

پیشران ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی

پیشران تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه

مضامین پایه	شناسه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر (پیشران‌ها)
نفوذ در اجزا، ارکان و شاکله حوزه	۱۶	تطمیع برخی از افراد ذی‌نفوذ حوزوی	
نفوذ در اجزاء و ارکان مختلف، نفوذ در عمق و شاکله			
توسعه و تقویت شیعه انگلیسی در بین طلاب	۱۹	توسعه و گسترش تشکلات و مراکز ناهمسو با انقلاب در حوزه‌های علمیه	
تربیت مرجع متناسب با اهداف استکبار و دشمن			
تمرکز بر عناصر ریشه‌دار و سنتی حوزه	۱	استفاده ابزاری از افراد ذی‌نفوذ حوزوی	
یکی از راهکارهای دشمن، بزرگ‌نمایی برخی مسائل برای علماست			
سطحی‌اندیشی، و عدم‌درک لایه‌های مهم سیاسی و اجتماعی	۲۸	ناتوان در تحلیل مسائل سیاسی	
تقیح ورود روحانیت و حوزویان به مسائل سیاسی			
تخریب چهره مراجع انقلابی	۹	تخریب چهره مراجع و اساتید همگام و همراه با نظام و انقلاب	
برچسب بی‌سوادی			
ناتوانی حوزه در دشمن‌شناسی و راهبردهای آن	۱۰	تشتت و ابهام در شاخص‌های حوزه و روحانیت مطلوب و کارآمد	
القای شاخص‌های حوزوی توسط دشمن			
ایجاد حس بی‌تفاوتی حوزه نسبت به مسائل جهانی	۲۹	ناتوانی در درک مناسبات و اقتضائات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	
ایستایی حوزه در مقابل حرکت‌های ضداستبدادی			
لایه‌ای عمل کردن دشمن	۲۴	کاهش تدبیر و هوشمندی حوزه‌های علمیه	
اقدامات هوشمندانه دشمن			
تأثیر نخبگان در جامعه و مدیران	۳۲	نخبه‌گریزی	
توسعه تفکر اینکه مدیران حوزه باید ریش سفید باشند			
ارائه اطلاعات غلط و هدایت تصمیم‌ها	۲۷	مدیریت اطلاعات و	

پیشران ابهام‌افزایی در حوزه‌های علمیه

راهبردی در حوزه‌های علمیه
 پیشران تضعیف هوش

مضامین پایه	شناسه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر (پیشران‌ها)
ارائه گزارشات غلط به مراجع و بزرگان حوزه		تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌های علمی	
دشمن در تلاش القای ناکارآمدی تئوری نظام اسلامی	۴	القای ناکارآمدی حوزه در پاسخ به مسائل جامعه و نظام	وایس‌گرایی در حوزه‌های علمی پیشران گسترش و ترویج
متهم سازی نظام به ناکارآمدی			
ترویج تفکر سنتی در حوزه و عدم تعامل فعال و ایجابی آن با سایر علوم مدرن	۱۷	تمحض حوزه در علوم حوزوی سنتی	
توسعه فقه فردی به جای فقه حکومتی و نظامات اجتماعی			

روایی و پایایی پژوهش

از آنجایی که این پژوهش از پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود، معیار روایی در آن با معیار روایی در پژوهش‌های کمی متفاوت است. روایی اطلاعات گردآوری‌شده در پژوهش‌های کیفی در گرو صحت اطلاعات است. (Maxwell, 1992: 282) از این‌رو در گردآوری داده‌ها و اطلاعات از خبرگان حوزوی و مدیران حوزه‌های علمیه مصاحبه به عمل آمد، زیرا استفاده از افراد خبره و مسئول در امور حوزه‌های علمیه زمینه افزایش اعتماد به اطلاعات گردآوری شده در فرایند پژوهش را برای پژوهشگر مهیا می‌سازد.

در پژوهش‌های کیفی از عبارت «ممیزی پژوهش» به جای اصطلاح پایایی استفاده می‌شود. در ممیزی پژوهش، پژوهشگر باید به ممیز نشان دهد که چگونه داده‌ها را گردآوری کرده است و چگونه طبقه‌ها از آنها مشتق شده‌اند. (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۳) به همین دلیل در این پژوهش با ارائه جداول مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر که از متن مصاحبه‌ها انتزاع شده است فرایند تحلیل و بررسی را نشان می‌دهد. بنابراین با رعایت معیار روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی، تلاش شد تا این پژوهش از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا از این طریق اعتبار پژوهش مخدوش نشود.

تحلیل یافته‌های پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده هفت مضمون فراگیر از تحلیل مضامین مصاحبه با خبرگان حوزوی احصا شد. این مضامین فراگیر به عنوان پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. پیشران‌های شناسایی‌شده همان عوامل کلیدی مؤثر بر اهداف دشمن برای براندازی نظام و استحاله

انقلاب اسلامی می‌باشند. دشمن سعی دارد با استفاده از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه زمینه بیگانگی حوزه با انقلاب و خودبیگانگی حوزویان با مبانی و اهداف انقلاب اسلامی را در حوزه‌های علمیه، مرجعیت و روحانیت گسترش دهد تا به اهداف خود دست یابد.

هریک از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه که مورد توجه دشمن است و در راستای آن راهبردها و سیاست‌های متعددی را دنبال می‌نماید، در ذیل مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرند:

۱. پیشران تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه

پیشران تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه از دو مضمون سازمان‌دهنده «ورود حوزه‌های علمیه به جناح‌گرایی‌های سیاسی» و «تضعیف جایگاه روحانیت در نزد مردم» شکل می‌گیرد. هر دو مضمون فوق نقش مهمی در تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه دارند.

ورود روحانیت و حوزه‌های علمیه به مسائل جناحی باعث می‌شود تا خواسته یا ناخواسته وارد جناح‌گرایی‌های سیاسی شود. مقام معظم رهبری جناح‌گرایی سیاسی را یکی از موانع پیشرفت برشمردند و فرمودند: «یکی از موانع پیشرفت ما، قبیله‌گرایی سیاسی یا جناحی است». (۱۳۹۷/۱/۱)

رواج بازی‌های حزبی و سیاسی در حوزه‌های علمیه تأثیر بسیاری در کاهش منزلت اجتماعی حوزویان دارد. در واقع رشد جناح‌گرایی در حوزه‌های علمیه زمینه وابستگی حوزه‌های علمیه به احزاب سیاسی را باعث می‌شود. این وابستگی زمینه تنزل و تضعیف جایگاه روحانیت در بین مردم را موجب می‌شود. در مصاحبه با برخی از اساتید حوزه علمیه قم، به این نکته مهم اشاره شد که حوزه‌های علمیه باید بدون تأثیرپذیری از جناح‌بازی‌های سیاسی، عملکرد و اقدامات احزاب را رصد نموده و در موقعیت‌های حساس نسبت به عملکردهای انحرافی آنها و مغایر با مصالح مردم و نظام موضع‌گیری نمایند. (مصاحبه آیت‌الله استادی، ۱۳۹۶: ۲۱)

در واقع رمز موفقیت و پویایی حوزه‌های علمیه در این است که وارد جناح‌گرایی‌های سیاسی نشوند. زیرا ورود به بازی‌های جناحی، مانع مهمی در تعامل و ارتباط اثربخش حوزه‌های علمیه با آحاد مردم جامعه محسوب می‌شود. به همین دلیل ورود حوزه‌های علمیه و روحانیت در جناح‌گرایی‌های سیاسی می‌تواند عامل مهمی برای تضعیف جایگاه و نقش روحانیت گشته و به همان میزان قدرت اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از مضامینی که نقش مهمی در تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه دارد، تضعیف جایگاه روحانیت در نزد مردم است. کم فروغ شدن روابط روحانیت با مردم نقش مهمی در کاهش منزلت اجتماعی روحانیت در نزد مردم دارد. حجت الاسلام رئیسی یکی از شاخص‌های مهم حوزه انقلابی را با

مردم، از مردم و در مردم بودن روحانیت برمی‌شمارد. (مصاحبه حجت الاسلام رئیسی، ۱۳۹۶: ۳۳)

کاهش ارتباطات روحانیت و حوزه‌های علمیه با مردم موجب از دست دادن شبکه‌های مردمی آنها می‌شود. روحانیت با از دست دادن شبکه‌های مردمی، تأثیرگذاری و نفوذ بر قلب مردم را که از ویژگی‌های ممتاز روحانیت در طول تاریخ بوده است را از دست خواهد داد. متأسفانه امروزه بنا به دلایل متعدد با کاهش حضور روحانیت در عرصه‌های مختلف زندگی مردم نسبت به گذشته مواجه هستیم و از سوی دیگر ورود آنها در احزاب و گروه‌های سیاسی که احياناً باعث رنجش خاطر مردم شده‌اند زمینه کاهش منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه و روحانیت را موجب شده است. دشمن نیز با درک این مسئله سعی دارد تا با درگیر نمودن روحانیت معزز شیعه در مسائل جناحی و حزبی و زمینه‌سازی برای کاهش ارتباط روحانیت با مردم و ایجاد جایگزین از طریق ابزارهای ارتباطی، جایگاه روحانیت را در نزد مردم تضعیف نماید و از این طریق منزلت اجتماعی روحانیت در بین مردم با زوال و فروکاستگی مواجه شود. تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی برای تخریب و مقابله با انقلاب اسلامی مطرح شود، درواقع دشمن با درک این مهم سعی دارد تا جبهه مقابله با نظام و انقلاب اسلامی را در زمین روحانیت و حوزه‌های علمیه ایجاد نماید و با استفاده از آن، اهداف و مقاصد شوم خود را دنبال نماید. رمز حضور روحانیت در تمام عرصه‌های زندگی مردم را می‌توان در توسعه روابط آنها با آحاد مردم دانست، به‌طوری‌که در سخت‌ترین شرایط همواره بار و غم‌خوار مردم بودند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) طرفداری همیشگی روحانیت از محرومان و مستضعفان و ملجأ مظلومان بودن را یکی از ویژگی‌های مهم روحانیت برمی‌شمارند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۶)

بنابراین تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه در نزد مردم می‌تواند یکی از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی محسوب شود. اگر حمایت‌های اجتماعی مردم از حوزه‌های علمیه رو به افول نهد، دیگر روحانیت و حوزه‌های علمیه نمی‌توانند در این عرصه نقش‌آفرینی داشته و زمینه حمایت‌های مردمی از انقلاب اسلامی را فراهم سازند. از این رو دشمن با تضعیف منزلت اجتماعی حوزه‌های علمیه سعی دارد ریشه‌های فکری و هدایت‌گری انقلاب را هدف قرار دهد و از این طریق اهداف خود را دنبال نماید.

۲. پیشران استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه

پیشران استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه از مضامین «افول و استحاله اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه»، «بی‌تفاوتی حوزه و روحانیت نسبت به

آرمان‌های انقلاب اسلامی»، «القای تفکر جدایی نظریه ولایت فقیه از معارف اسلامی به‌ویژه حوزه‌های علمیه» و «ناتوانی طلاب و روحانیون در فهم نظریه ولایت فقیه» انتزاع شده است. حساسیت حوزه به ارزش‌های انقلاب و حفظ این ارزش‌ها از مهم‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. (مصاحبه حجت الاسلام رجبی، ۱۳۹۶: ۸۵) استحاله اهداف و ارزش‌های انقلاب در حوزه‌های علمیه باعث می‌شود به تدریج ارزش‌های انقلاب در حوزویان کم‌فروغ گردد و از گفتمان انقلاب فاصله گیرند. در این صورت حوزه‌های علمیه دیگر نسبت به ارزش‌های انقلاب اسلامی حساسیت نداشته و زمینه ایجاد حس بیگانگی با ارزش‌های انقلاب در حوزه‌های علمیه شیوع می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود تا در حوزه‌های علمیه بی‌تفاوتی نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی شکل گیرد که در این صورت حوزه به یک حوزه غیرمولد و بی‌تفاوت نسبت به انقلاب تبدیل می‌شود. برخی از خبرگان حوزوی به نقش‌آفرینی حوزه مولد در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی ویژگی حوزه انقلابی را در محافظ و مولد بودن حوزه علمیه برشمردند. (مصاحبه با آیت‌الله احمد بهشتی، ۱۳۹۶: ۲۹)

از دیگر اقداماتی که دشمن برای استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه دنبال می‌نماید، القای تفکر جدایی نظریه ولایت فقیه از معارف اسلامی به‌ویژه حوزه‌های علمیه است. در برخی از مصاحبه‌های انجام‌شده به این موضوع اشاره شد که دشمن به شیوه‌های گوناگون سعی دارد تا خوانش جدیدی از موضوع ولایت فقیه در مباحث فقهی ارائه نماید. (مصاحبه با حجت الاسلام قوامی، ۱۳۹۷/۱۰/۱۴) عدم‌درک درست و عمیق طلاب از نظریه ولایت فقیه در این راستا می‌تواند بستر مناسبی برای تلاش دشمن در مخدوش نمودن نظریه ولایت فقیه و ارائه تفسیر جدید از آن باشد. هجمه رسانه‌ها در فضای مجازی تأثیرات قابل‌توجهی بر طلاب حوزه‌های علمیه دارند. (مصاحبه با حجت الاسلام جمشیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۱) به‌طوری‌که با شبهه‌افکنی می‌توانند فهم طلاب از نظریه ولایت فقیه را دستخوش تغییر و انحراف قرار دهند.

تضعیف و دگرگونی فهم و اندیشه طلاب در نظریه ولایت فقیه منجر به استحاله مبانی اصلی و مهم انقلاب که همان نظریه ولایت فقیه است، خواهد شد. در صورتی که طلاب و حوزویان نسبت به فهم و درک اندیشه ولایت فقیه و معارف آن ناتوان باشند؛ امکان آسیب‌پذیری از این ناحیه در درون حوزه‌های علمیه به میزان قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. زیرا طلاب به دلیل تعامل و ارتباطاتی که با آحاد مردم در عرصه‌های تبلیغی و فرهنگی دارند، نقش مهمی در توسعه و ترویج نظریه ولایت فقیه به‌عنوان یکی از پایه‌های مهم انقلاب اسلامی دارند.

وقتی طلاب و روحانیون با نظریه ولایت فقیه که از ارکان مهم نظام و انقلاب اسلامی است

بیگانه و ناآشنا گردند، به مرور ارزش‌ها و مبانی انقلاب دستخوش تغییر و تحریف خواهد شد. براین‌د این دگرگونی، بروز تزلزل در پایه‌های انقلاب خواهد بود که روحانیت و حوزه‌های علمیه عامل اصلی برای حفاظت از این پایه و رکن اصلی انقلاب هستند. به‌همین دلیل دشمن با درک نقش روحانیت و حوزه‌های علمیه در تثبیت ارزش‌ها و تحکیم مبانی انقلاب اسلامی سعی دارد طلاب را با اهداف، ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی به‌ویژه نظریه ولایت فقیه بیگانه سازد تا با استحاله ارزش‌های و مبانی انقلاب، پایه‌های انقلاب را تخریب و متزلزل سازد. به‌عبارت دیگر حوزه علمیه بیگانه با ارزش‌ها و مبانی انقلاب توان دفاع و حمایت از انقلاب را از دست خواهد داد.

۳. پیشران ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی

حوزه‌های علمیه از دیرباز ارتباط تنگاتنگی با مردم داشتند و در بسیاری از عرصه‌ها و ابعاد زندگی آنها حضوری پررنگ دارند. حضور فعال حوزه‌های علمیه در مصاف مسائل و نیازهای اجتماعی مردم موجب شد، حوزه‌های علمیه نقش پررنگی در مدیریت مسائل جامعه برعهده بگیرند. در همین راستا مقام معظم رهبری درخصوص نقش حوزه‌های علمیه فرمودند: «حوزه علمیه از جهات مختلف برای جامعه یک نقش حیاتی دارد». (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۶/۳۱) نقش فعال حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی باعث شده تا دشمن برای ناکارآمدسازی این نقش مهم و حیاتی اقدامات گسترده‌ای را انجام دهد. به‌همین دلیل یکی از موضوعاتی که دشمن موردتوجه قرار داده است، ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی می‌باشد.

در این پژوهش پیشران ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی از مضامین «عدم ورود حوزه به عرصه‌های عمل و اقدام»، «جدایی حوزه از نظام و انقلاب اسلامی»، «بی‌خبری از مسائل اجتماعی و ناتوانی در درک نیازهای اجتماعی»، «بی‌تفاوت نسبت به مسائل اجتماعی»، «عدم اهتمام به کادرسازی» و «کاهش حضور حوزویان در مراکز و نهادهای مختلف مورد نیاز» شکل گرفته است. درواقع این پیشران ناظر بر کارکردهای حوزه‌های علمیه در مناسبات اجتماعی است.

حوزه‌های علمیه در صورتی که نقش و وظیفه خطیر خود در مسئولیت‌های اجتماعی را کاهش دهند، زمینه را برای حضور و دخالت دشمن فراهم می‌سازند. امام خمینی علیه السلام پیرامون حضور فعال و گسترده روحانیت در مسائل اجتماعی می‌فرمایند: «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات، حضور نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه، کافی نیست». (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۱ / ۲۹۲) در همین راستا در سخنان دیگری می‌فرمایند: «ما باید دخالت کنیم، باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم. اهتمام به امر مسلمین، این نیست که من بروم نماز بخوانم و اقتدا کنم.

این، امر مسلمین نیست؛ این امر خداست. امور مسلمین، عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است.» (همان: ۱۵ / ۲۱۳) این سخنان بیانگر اهمیت حضور گسترده حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی است. با توجه به برخی از مصاحبه‌های انجام‌شده با مدیران حوزه‌های علمیه، حوزه علمیه ای که پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی نباشد هنوز نتوانسته به وظایف خود عمل کند. (مصاحبه با حجت الاسلام جمشیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۱)

تربیت نیرو و کادرسازی یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که مداخله حوزه‌های علمیه را می‌طلبد. اهتمام حوزه‌های علمیه به کادرسازی برای انقلاب به‌ویژه سازمان‌ها و مراکز مهم آموزشی و تربیتی بیانگر احساس مسئولیت حوزه نسبت به مسائل اجتماعی است. دشمن نیز با ترویج روحیه بی‌تفاوتی در حوزویان قصد دارد اهتمام و دغدغه حوزویان در کادرسازی برای انقلاب و نظام را فروکاهیده و از این طریق نقش حوزه‌های علمیه در مدیریت امور و مسائل اجتماعی را تضعیف نماید. تضعیف حوزه در مدیریت مسائل اجتماعی باعث می‌شود تا حوزه‌های علمیه به‌جای پویایی به یک حوزه ایستا و فاقد روح انقلابی تبدیل شوند. در این راستا دشمن با تلاش برای به‌عزلت کشاندن حوزه‌های علمیه در عرصه‌های اجتماعی سعی دارد تا حوزه‌های علمیه دچار ایستایی و بیگانگی با انقلاب و نظام شوند. چنین حوزه‌ای در مدیریت مسائل اجتماعی ناکارآمد است و دیگر نمی‌تواند به یک پشتیبان و عامل تقویت انقلاب محسوب شود. بلکه چنین حوزه ناکارآمدی خود زمینه تضعیف مبانی و ریشه‌های انقلاب را از درون باعث می‌شود. به‌همین دلیل ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی به‌عنوان یک پیشران برای دشمن محسوب می‌شود که زمینه تحقق اهداف دشمن در آینده را فراهم می‌سازد.

۴. پیشران تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه

پیشران تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه مهم‌ترین پیشران برای مخالفان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. این پیشران از مضامین سازمان‌دهنده: «توسعه رویکرد تقدس‌مآبی و کم‌رنگ شدن نقش سیاسی - اجتماعی حوزه‌های علمیه»، «گسترش اختلافات»، «تطمیع برخی از افراد ذی‌نفوذ حوزوی»، «توسعه و گسترش تشکلات و مراکز ناهمسو با انقلاب در حوزه‌های علمیه» و «استفاده ایزاری از افراد ذی‌نفوذ حوزوی» ایجاد شده است. هریک از مضامین فوق به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری و تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. دشمن با تمرکز بر هریک از این عوامل، تلاش می‌کند تا با ایجاد و تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه، انسجام درونی حوزه‌های علمیه و

حمایتشان از انقلاب اسلامی را کاهش و تضعیف نماید. بنابراین وجود جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه به‌مثابه یک پیشران برای پیشبرد اهداف شیطان‌ی دشمن در حوزه قلمداد می‌شود. در کلام و اندیشه امام خمینی علیه السلام ایجاد و تقویت جبهه‌بندی در حوزه‌های علمیه، آغاز باز شدن راه استفاده دشمن خواهد بود. زیرا جبهه‌بندی در نهایت به تعارض و تضاد در درون حوزه‌های علمیه می‌گراید. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۱ / ۲۸۳) وقتی درون حوزه‌های علمیه گروه‌ها و جریان‌های غیرهمسو شکل گرفت، انسجام و اتحاد درونی آنها رو به افول می‌نهد و چنین حوزه‌ای نه تنها مدافع انقلاب نیست بلکه به آنتی‌تز انقلاب تبدیل خواهد شد.

برخی از خبرگان حوزوی به راهبرد دشمن در مرجع‌سازی برای ایجاد ائتلاف در بدنه و شاخه حوزه‌های علمیه اشاره داشتند. (مصاحبه حجت الاسلام قمرزاده، ۱۳۹۷/۱۱/۵) برخی دیگران از صاحب‌نظران حوزوی معتقدند دشمن با ایجاد مراجع دروغین تلاش می‌کند که به اهداف موردنظر خود دست یابد (<https://www.hawzahnews.com/news/389510>). در این بین دشمن برخی از افراد ذی نفوذ حوزوی را تطمیع نموده و از آنها برای مقابله با عناصر ریشه‌دار و دارای هویت حوزوی استفاده می‌نماید. (مصاحبه حجت الاسلام قمرزاده، ۱۳۹۷/۱۱/۵) در واقع دشمن به‌منظور ایجاد و تقویت جریان‌های مخالف انقلاب در حوزه‌های علمیه بر عنصر اساسی و مهم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی که همان مرجعیت شیعه می‌باشد تمرکز نموده است. مرجعیت به‌دلیل نقش رهبری فکری و میزان تأثیرگذاری بالا بر مردم، نقش قابل‌توجهی در انقلاب اسلامی و استمرار آن دارند. به‌همین دلیل دشمن برای ایجاد گروه‌ها و جریان‌های مخالف با انقلاب در حوزه‌های علمیه درصدد تخریب این عامل اثرگذار و مهم در انقلاب برآمده است. بروز مرجع انگلیسی را می‌توان تلاش دشمن در این راستا برشمرد.

با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش یکی از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب که سابقه‌ای دیرینه در سیاست‌ها و راهبردهای شیطان‌ی دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی دارد، جبهه‌سازی و جریان‌سازی در حوزه‌های علمیه است. مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی با اشاره به این پیشران فرمودند: «یک عده‌ای هم در این آتش‌ها می‌دمند؛ شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی مثل هم هستند؛ همه، دولبه یک قیچی هستند؛ سعی‌شان این است که مسلمان‌ها را به جان هم بیندازند؛ این پیام اراده تفرقه است که اراده شیطان‌ی است». (۱۳۹۵/۹/۲۷) دشمن سعی دارد با تقویت و گسترش تشیع انگلیسی در حوزه‌های علمیه، آنتی‌تز انقلاب در حوزه را ایجاد نماید و از طریق این پیشران، آینده انقلاب را با چالش‌های درونی مواجه سازد.

۵. پیشران ابهام‌افزایی در حوزه‌های علمیه

راهبرد ابهام یا ابهام‌راهبردی^۱ موضوعی است که امروزه به‌طور ضمنی در سیاست‌های برخی از کشورها و دولت‌ها مشاهده می‌شود. ابهام‌راهبردی وجود ناهماهنگی‌های چند نقطه‌ای را تقویت می‌کند. (Eisenberg, 1984: 8) به‌همین دلیل این ظرفیت را دارد که کانون واگرایی قرار گیرد. به‌منظور ابهام‌افزایی معمولاً شاخص‌ها و سمبل‌ها را دستکاری می‌کنند تا از این طریق اهداف مدنظر خویش را تحقق بخشند. در راهبردها و سیاست‌های ابهام، انواع برجسب‌ها به‌کار می‌رود. (Ibid, p5) در این پژوهش پیشران ابهام‌افزایی که از مضامین مصاحبه با برخی از خبرگان حوزوی انتزاع شده، از مضامین سازمان‌دهنده: «ناتوان در تحلیل مسائل سیاسی»، «تخریب چهره مراجع و اساتید همگام و همراه با نظام و انقلاب»، «تشتت و ابهام در شاخص‌های حوزه و روحانیت مطلوب و کارآمد» و «ناتوانی در درک مناسبات و اقتضات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» تشکیل شده است. دشمن سعی دارد از طریق تخریب چهره مراجع و اساتید انقلابی و ایجاد تشتت در شاخص‌های طلبه و حوزه مطلوب تراز انقلاب اسلامی، توان تحلیل سیاسی حوزویان را در مناسبات و اقتضات مختلف سیاسی و منطقه‌ای کاهش دهد تا از این طریق بتواند سیاست‌ها و برنامه‌های ابهام‌آفرین را برای پیشبرد اهداف خود دنبال نماید.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانات خود در این مورد می‌فرماید: «ابهام‌آفرینی یکی از سیاست‌های اصلی کانون‌های مبارزه با جمهوری اسلامی است. ابهام‌آفرینی و ایجاد نقطه کور برای ذهن‌ها، خودش یک سیاست است؛... دشمن، نیازمند به اغتشاش افکار عمومی و ابهام‌آفرینی است». (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲) بنابراین دشمن به‌منظور دستیابی به اهداف خویش و تحقق بخشیدن به آینده موردنظر خویش بر پیشران ابهام‌افزایی تمرکز نموده و سعی دارد از این طریق آینده مدنظر خویش را محقق نماید. دشمن با زدن برجسب بی‌سوادی به اساتید فاضل حوزوی می‌خواهد اساتید انقلابی را در حوزه تخریب نماید و از این طریق زمینه را برای ورود عوامل مزدور خود در حوزه فراهم نماید. (مصاحبه حجت‌الاسلام نبوی، ۱۳۹۷/۱۰/۲۹) این اقدامات نقش مهمی در ایجاد راهبردهای ابهام‌آفرینی در حوزه‌های علمیه به‌ویژه طلاب جوان دارد. بنابراین دشمن راهبرد ابهام‌آفرینی در حوزه‌های علمیه را به‌عنوان یک پیشران برای تبدیل حوزه به آنتی‌تز انقلاب موردتوجه قرار می‌دهد. پیشران ابهام‌افزایی در حوزه‌های علمیه به‌تدریج حوزه‌های علمیه را به یک پدیده ایستا و ناکارآمد تبدیل می‌نماید. وقتی حوزه‌های علمیه به یک حوزه ایستا و غیرمنعطف نسبت

1. Strategic Ambiguity.

به سیاست‌های استبدادی تبدیل شود، چنین حوزه‌ای دیگر نمی‌تواند موتور محرک انقلاب باشد؛ زیرا انقلاب ماهیتی پویا دارد. بنابراین پدیده‌ای که ماهیت آن به ایستایی گرویده دیگر نمی‌تواند به یک پدیده پویا افاضه نماید و موتور محرک آن قلمداد گردد. از این رو ابهام‌افزایی نقش یک عامل کلیدی و پیشران ر ابرای دشمن در دستیابی به اهدافش ایفا می‌نماید.

۶. پیشران تضعیف هوش راهبردی در حوزه‌های علمیه

هوش راهبردی با مدیریت اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌ها مرتبط است. به همین دلیل بر تدبیر هوشمندانه برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و فضای نخبگانی در آینده و غلبه بر تهدیدات بیرونی تمرکز دارد. (www.definitions.net) در این پژوهش پیشران تضعیف هوش راهبردی در حوزه‌های علمیه از مضامین سازمان دهنده «کاهش تدبیر و هوشمندی حوزه‌های علمیه»، «نخبه‌گریزی» و «مدیریت اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌های علمیه» تشکیل شده است.

در این پیشران، دشمن سعی دارد از طریق مدیریت اطلاعات در مراکز حوزوی و تسلط بر سرمایه‌های دانشی حوزه‌های علمیه، مدیریت اطلاعات در حوزه‌های علمیه را در دست گیرد، و از این طریق بستر ایجاد آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه را مهیا سازد (مصاحبه حجت الاسلام دکتر بی‌ریا). از سوی دیگر دشمن در اقدامات متخاصمانه خود با انقلاب به صورت لایه‌ای عمل می‌نماید (مصاحبه با حجت الاسلام نبوی، ۱۳۹۷/۱۰/۲۹) و سعی دارد حوزه‌های علمیه به‌عنوان جزء مقوم انقلاب به آنتی‌تز انقلاب تبدیل شوند. این کار هوشمندانه‌ای است که دشمن درصدد انجام آن است. (مصاحبه حجت الاسلام قمرزاده، ۱۳۹۷/۱۱/۵)

دشمن برای منظور پیش گفته نیازمند پیشران دیگری به نام تضعیف هوش راهبردی در حوزه‌های علمیه است. تضعیف هوش راهبردی در حوزه‌های علمیه، ظرفیت نخبگانی حوزه را در اختیار دشمن و در راستای اهداف آن قرار خواهد داد و تدابیر حوزه‌های علمیه در حل مسائل انقلاب در آینده را با ناکارآمدی مواجه خواهد ساخت؛ حتی قدرت بصیرت حوزویان در درک راهبردهای دشمن را مخدوش می‌سازد. در چنین موقعیتی دشمن در تلاش است تا اهداف خود را از طریق مراکز و نخبگان حوزوی و منتسب به برخی از بزرگان دنبال نماید. دشمن با همراه‌سازی برخی از نخبگان حوزوی و جهت دادن به تصمیم‌های آنها، زمینه بهره‌برداری از ظرفیت نخبگانی حوزه‌های علمیه را برای اهداف خود مهیا می‌سازد. تأثیرپذیری نخبگان و برخی از بزرگان حوزوی به دلیل فقدان و یا ضعف هوش راهبردی آنها است. بنابراین دشمن از این موضوع به‌عنوان یک پیشران برای ایجاد آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه استفاده می‌نماید.

۷. پیشران گسترش و ترویج واپس‌گرایی در حوزه‌های علمیه

واپس‌گرایی به معنای مخالف پیشرفت و اندیشه‌های نو است. (معین، ۱۳۹۲: ذیل واژه) در واقع واپس‌گرایی متضمن ارتجاع و بازگشت به عقب است. دشمن برای القای چنین رویکردی در حوزه و انقلاب اسلامی تلاش گسترده‌ای می‌نماید. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این مورد می‌فرماید: «کسانی که هنوز در آرزوی رجعت ایران به دوران سیاه و نکبت‌بار پادشاهی‌اند، نظام نوین و تازه نفس و جوان انقلابی را مرتجع می‌نمایند». (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱) دشمن به دلیل خصومت و دشمنی‌اش با انقلاب اسلامی تلاش گسترده‌ای برای ایجاد یک تصویر واپس‌گرا و مرتجع از انقلاب و عناصر انقلابی آغاز نموده است. این اقدام خصمانه دشمن بیشتر معطوف به حوزه‌های علمیه است. پیشران واپس‌گرایی در این پژوهش از دو مضمون سازمان‌دهنده «القای ناکارآمدی حوزه در پاسخ به مسائل جامعه و نظام» و «تمحض حوزه در علوم حوزوی سنتی»، پیشران القا و ترویج واپس‌گرایی در حوزه‌های علمیه بیانگر این است که حوزه‌های علمیه ظرفیت ارائه افکار جدید و نوین در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را ندارند و تنها برون‌داد آنها به عقب راندن جامعه است. برخی از خبرگان حوزوی در مصاحبه به اهمیت و نقش این پیشران در سیاست‌های دشمن اشاره نمودند. دشمن برای کاهش نقش حوزویان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی به انواع روش‌ها و شیوه‌های مبارزاتی دست زده است و یکی از این روش‌ها که سابقه‌ای طولانی در دشمنی چند ساله آنها با انقلاب و حوزه‌های علمیه مشاهده شده است، افزایش این دیدگاه در بین مردم و حتی حوزویان است. دشمن سعی دارد با القای چنین تفکری رابطه حوزه‌های علمیه که هسته نظام ساز انقلاب محسوب می‌شوند را با انقلاب قطع نماید. دشمن با استفاده از این پیشران سعی دارد تا حوزه‌های علمیه را از مرکزیت و محوریت انقلاب منزوی ساخته و با مشغول‌سازی حوزه‌ها و عرفی‌سازی دین، (مصاحبه حجت‌الاسلام پارسانیا، ۱۳۹۶: ۶۷) پیشران انقلاب اسلامی که حوزه‌های علمیه هستند را ناکارآمد سازد. حوزه‌های علمیه وقتی به سمت‌وسوی واپس‌گرایی سوق یابند دیگر توان حمایت و هدایت انقلاب و الزامات آن را نخواهند داشت و در این صورت به نیروی خودانکار و بیگانه با انقلاب تبدیل خواهند شد که این همان تبدیل شدن به آنتی‌تز انقلاب است.

شبکه پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه

سرانجام پس از بررسی و تحلیل مضامین مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان حوزوی، هفت مضمون فراگیر به‌عنوان پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه شناسایی شد که دشمن درصدد است با

انقلاب که توسط دشمن طرح‌ریزی می‌شود را مورد شناسایی قرار داده و با تدابیر و اقدامات هوشمندانه زمینه خنثی‌سازی و دفع مخاطرات آفندی دشمن را فراهم نمود.

پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه شامل مجموعه عوامل کلیدی و تأثیرگذاری هستند که نقش مهمی در پیشبرد و تحقق سناریوهای آینده دشمن دارند. دشمن برای مقابله با انقلاب، راهبرد تخریب از درون را موردتوجه قرار داده است. عوامل مخرب درونی که به آن «عوامل درون‌زا» نیز اطلاق می‌شود، به دلیل درونی بودنشان ویژگی متمایزی در راهبردهای رقابتی برای تخریب طرف مقابل دارند.

درواقع عوامل تخریب درون‌زا جزء آن دسته از تهدیداتی هستند که کمتر موردتوجه قرار می‌گیرند و به تدریج آثار شوم خود را بر هدف می‌گذارند. دشمن نیز برای مقابله با انقلاب اسلامی، پس از نامیدی در عرصه‌های آفندی و نظامی، با ایجاد تغییرات راهبردی درصدد ایجاد آنتی‌تز در انقلاب برآمد. آنتی‌تز به دلیل توسعه و گسترش خودانکاری و از خودیگانگی زمینه را برای فروپاشیدن انقلاب از درون فراهم می‌سازد. در این بین مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار بر انقلاب اسلامی اضلاع سه‌گانه روحانیت، حوزه‌های علمیه و مرجعیت هستند. دشمن برای اینکه بتواند سناریوهای آینده برای مقابله با انقلاب اسلامی را تحقق بخشد، به استفاده از پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه روی آورده است. دشمن به منظور تحقق سناریوهای آینده برای مقابله با انقلاب اسلامی، پیشران واپس‌گرایی در حوزه‌های علمیه را ترویج داده و از طریق ابهام‌راهبردی، هوش‌راهبردی حوزویان در رویارویی با دشمن را کاهش می‌دهد. این پیشران‌ها زمینه پیشران دیگری به نام پیشران ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه شده و به مرور باعث تضعیف منزلت اجتماعی حوزویان در بین مردم می‌شوند. کاهش منزلت اجتماعی حوزویان در بین مردم، زمینه گسست هرچه بیشتر مردم با روحانیت و انقلاب را موجب می‌شود. در این بین پیشران ایجاد و تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه باعث واگرایی در بین عناصر و رهبران فکری انقلاب می‌شود که برآیند آن استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه است.

پیشنهادهای پژوهش

پس از بررسی‌های انجام شده در این پژوهش پیشنهادات ذیل مطرح می‌شوند:

- میزان و سطح تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌های شناسایی شده مورد بررسی قرار گیرند؛
- راهبردهای مقابله با پیشران‌های مورد بررسی و شناسایی قرار گیرند؛
- جایگاه و نقش گروه‌های جهادی در مقابله با پیشران‌های مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

منابع و مآخذ

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۲. بی‌نام، (بی‌تا)، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۳. جعفری، محمدحسن، ۱۳۹۰، «جایگاه حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۱، ص ۵۰ - ۳۳.
۴. حر عاملی، محمدحسن، ۱۴۱۴ ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، مصحح محمد رازی، بیروت، آل‌البیت.
۵. خوشروزاده، جعفر، ۱۳۸۲، «میشل فوکو و انقلاب اسلامی؛ رویکردی فرهنگی از منظر چهره‌های قدرت»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۷ و ۸.
۶. دانایی‌فرد، حسن و آرزو اسلامی، ۱۳۹۰، *کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۷. رحمانی، جعفر و رضا ابروش، ۱۳۹۳، «جهانی‌شدن و آینده‌نگاری جایگاه فرهنگ اسلامی»، *فصلنامه تبلیغ و ارتباطات دینی*، شماره ۳، ص ۷۶ - ۳۷.
۸. رمضان‌نرگسی، رضا و مهدی ابوطالبی، ۱۳۹۲، *بررسی و نقد تئوری‌های انقلاب اسلامی ایران؛ تئوری نیکی آر، کدی و میشل فوکو*، قم، دفتر نشر معارف.
۹. شوارتز، پیتر، ۱۳۹۰، *هنر دورنگری برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم اطمینان*، ترجمه عزیزعلیزاده، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۰. فوکو، میشل، ۱۳۸۶، *ایرانی‌ها چه رویایی در سردارند؟*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، نشر هرمس.
۱۱. محمدپور، احمد، ۱۳۹۲، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۲. مشکانی سبزواری، عباسعلی و احمد رهدار، ۱۳۹۶، «مناسبات حوزه و نظام اسلامی با محوریت کارویژه فقه حکومتی»، *فصلنامه گفتمان فقه حکومتی*، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶۲ - ۱۳۳.
۱۳. مصاحبه امین بای با حجت‌الاسلام دکتر بی‌ریا، ۱۳۹۷/۱۱/۶، پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه.
۱۴. مصاحبه امین بای با حجت‌الاسلام قوامی، ۱۳۹۷/۱۰/۱۴، پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در حوزه‌های علمیه.
۱۵. مصاحبه با آیت‌الله استادی، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶، به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

۱۶. مصاحبه با حجت الاسلام احمد بهشتی، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶،
به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی ع.
۱۷. مصاحبه با حجت الاسلام پارسانیا، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶،
به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی ع.
۱۸. مصاحبه با حجت الاسلام جمشیدی، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶،
به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی ع.
۱۹. مصاحبه با حجت الاسلام رئیسی، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶،
به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی ع.
۲۰. مصاحبه با حجت الاسلام محمود رجبی، مجموعه مصاحبه‌های همایش ملی حوزه انقلابی، ۱۳۹۶،
به کوشش علیرضا کریمی، قم، جامعه المصطفی ع.
۲۱. مصاحبه رضا ابروش با حجت الاسلام قمرزاده، ۱۳۹۷/۱۱/۵، پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در
حوزه‌های علمیه.
۲۲. مصاحبه رضا ابروش با حجت الاسلام نبوی، ۱۳۹۷/۱۰/۲۹، پیشران‌های آنتی‌تز انقلاب در
حوزه‌های علمیه.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۹۲، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.
25. Braun, Virginia and Clarke, Victoria, 2006, "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), p. 77-101.
26. Attride stirling. J, 2001, "Thematic networks: an analytic tool for qualitative research", *Qualitative Research*, Vol 1, Issue 3, p. 385-405.
27. Maxwell. J, 1992, "Understanding and validity in qualitative research", *Harvard Education review*, Vol 62, No. 3, p. 279-300.
28. Eisenberg, E. M., 1984, "Ambiguity as strategy in organizational communication", *Communication Monographs*, No. 51, p. 227-242.
29. <https://farsi.khamenei.ir>
30. <https://www.hawzahnews.com/news/389510>
31. <https://www.definitions.net/definition/strategic+intelligence>

تحليل ودراسة لدوافع مناهضة الثورة الإسلامية في الحوزات العلمية

مجتبی درودی*

رضا ابروش**

عزت الله معتمد***

ملخص البحث

للحوزات العلمية (بصفتها معاهد دينية) دور لا يُستهان به في ايجاد قيم الثورة الإسلامية وثباتها. وهذا هو ما دفع أعداء الثورة الإسلامية الى السعي لتحويل الحوزات العلمية الى عامل للقضاء على هذه الثورة. ومن هنا فقد اهتموا بايجاد وتوظيف دوافع مناهضة الثورة الإسلامية في الحوزات العلمية لجعلها سبباً لانحطاط وافول الثورة من داخل الحوزات العلمية. أجرى هذا البحث تقييماً لدوافع مناهضة الثورة الإسلامية في الحوزات العلمية من خلال اجراء لقاءات مع أصحاب النظر في أوساط الحوزات العلمية، بمنهجية تحليل المضامين. دوافع مناهضة الثورة الإسلامية في الحوزات العلمية، التي توصل اليها هذا البحث وأجرى تحليلاً لها عبارة عما يلي: إضعاف المكانة الاجتماعية، واستحالة قيم ومبادئ الثورة الإسلامية، جعل الحوزات العلمية عاجزة عن ادارة الشؤون الاجتماعية، ودعم الاتجاهات والتيارات المعارضة في الحوزات العلمية، تكريس أجواء الغموض، الافتقار الى الذكاء الاستراتيجي، ونشر وترويج التخلف في الحوزات العلمية.

الألفاظ المفتاحية

الدوافع، مناهضة الثورة، الحوزات العلمية، العوامل الداخلية، المسؤولية الاجتماعية.

*. استاذ مساعد في قسم الإدارة، مؤسسة الإمام الخميني + للتعليم والبحوث. doroudi@iki.ac.ir

** استاذ مساعد في قسم الإدارة الثقافية، جامعة المعارف الإسلامية. abraresh@maaref.ac.ir

*** خريج دكتوراه في الفقه ومباني الحقوق، جامعة طهران، فرع الفارابي.

motamed867@gmail.com